

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد حیدر اختر - سابق کارمند رادیو تلویزیون افغانستان

۰۵ فبروری ۲۰۱۷

## خاطرات فراموش ناشدنی از رادیو افغانستان



روز چهاردهم ماه دلو برای من یک روز ناخوش آیند و دلگیر می باشد، زیرا سی و سه سال قبل از امروز به تاریخ ۱۴ دلو ۱۳۶۲ ناگزیر شدم با خانواده، خانه و کاشانه خویش را رها نموده و بی سرنوشت راه مهاجرت را در پیش بگیرم. این روز غمبار همیشه در خاطرم بود و فراموشم هم نخواهد شد. چندی قبل صحبتی با یک تن از عزیزان و همکاران خاطره های دیگری را برابرم زنده کرد.

بعد از سی و سه سال یکی از همکاران خوبم ملالی جان، عضو مدیریت ارزیابی پرورگرام های رادیو افغانستان را از طریق فیسبوک یافتم که در ایالات متحده امریکا با خانواده خود زندگی می کند. امکانات میسر شد و از طریق مسنجر، توانستیم باهم تماس بگیریم و بیشتر از یک ساعت باهم قصه کردیم. از روز های تلخ و شیرین که باهم در رادیو افغانستان همکار بودیم، یاد نمودیم. زمانی که تماس ما با خدا حافظی قطع شد، تمام خاطرات آن روزگار دوباره در خاطرم زنده شد. و یادم آمد که چگونه ناگزیر شدم در ظرف سه روز با خانم عزیزه مهر اختر (آموزگار) دخترم مریم اختر (دوساله) و پسرم مصطفی اختر که، هنوز چهل روزه نشده بود ترک وطن نمایم.

من در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی در رادیو افغانستان، تحت نظر محترمه شکرپه جان رعد، همکاری خود را با رادیو افغانستان آغاز نمودم. شکرپه جان مرا همراهی خود به استدیوهای رادیو برد و در استدیو ۴۷ که همکار تکنیکی آن علی احمد جان وزیری (مشهور به داکتر علو) بود معرفی کرد و طریق ثبت برنامه اطفال را آموزش داد و بعداً برنامه خانواده و امثال آن را از شکرپه جان فرا گرفتیم. و از اول





سال ۱۳۴۶ هجری خورشیدی منحنث مأمور رسمی به حیث عضو مدیریت عمومی پروگرام های رادیو افغانستان که در آن زمان مرحوم کریم روینا منحنث مدیر عمومی پروگرام ها ایفای وظیفه می کرد، به کار آغاز کردم. در آن زمان رادیو افغانستان یک فضای بسیار دوستانه داشت، زیرا کار رادیو افغانستان مانند زنجیر، یکی با دیگری

در ارتباط بود. همکاران رادیو افغانستان مانند اعضای خانواده باهم صمیمی بوده، فرق بین همکاران تکنیکی و نشراتی، آمو مأمور نبود. باهم می گفتیم و می خندیدیم، ولی هر کدام وظیفه خویش را با صداقت، صفا و صمیمیت با شوخی های همان زمان انجام می دادیم. شاید تعداد زیادی از همکاران سابقه دار رادیو افغانستان بامن هم نظر باشند که در آن زمان مأمورین رادیو افغانستان به خاطر ساعت رسمی کار نمی کردند، بلکه هر کدام وظیفه خود را تا هر لحظه که برنامه شان ثبت و آماده نشر می شد ادامه می دادند. زیرا همه با یک شوق و علاقه وظیفه محوله اش را اجراء می کرد.



با کودتای نیمه کمونیستی سردار محمد داودخان فضای رادیو افغانستان کمی تغییر کرد. زیرا تشکیل رادیو افغانستان انکشاف پیدا نموده و با روی کار آمدن پروژه تلویزیون، به تعداد همکاران افزوده شد. تغییراتی در پالیسی نشراتی رونما گردید. ولی با کودتای ننگین هفت ثور فضای رادیو افغانستان کاملاً دگرگون

شد. رادیو تلویزیون افغانستان، به کمیته رادیو تلویزیون و افغان فلم مسما شد. همکاران بیشتری جذب گردید اکثر همکاران جدید سابقه کار در مطبوعات را نداشتند صرف کارت سرخ حزبی و داشتن سلاح و اسطه حزبی برای جذب شان کفایت می کرد. در بین همکاران جدید واضح است که، اعضای دستگاه جاسوسی اکسا نیز شامل بودند. تعقیب، بگیر و ببند از همان جا آغاز گردید. تعداد فراوانی از همکاران رادیو تلویزیون افغانستان راهی زندان شده، با شکنجه های غیر انسانی مواجه شدند، و تعدادی هم در پلایگون های پلچرخ سربه نیست گردیدند. در بین همکاران رادیو تلویزیون آن همه اعتماد و همکاری سابق وجود نداشت، هر یکی از سایه دیگری در هراس بود زیرا هیچ کدام نمی دانست



که کی با اکسا ارتباط دارد. به خصوص زمانی که رقابت و روابط خصمانه بین جناح خلق و پرچم به وجود آمد فعالیت افراد اکسا در همه جا و خاصتاً در رادیو تلویزیون احساس می شد.

پالیسی نشراتی کاملاً دگرگون شد. خوب به خاطر دارم که روز دوم کودتای ثور، دو سه نفر از

اعضای برجسته کودتاگران (کمیته مرکزی) به رادیو آمده، تغییراتی در برنامه های رادیو

آوردند. از جمله می توان گفت: برنامه موعظه که هر شام پنجشنبه قبل از ساعت ۹ شب انتشار می یافت و هم برنامه سیره النبی که بعد از آذان پیشین منتشر می شد و هکذا موعظه روز جمعه را که بعد از نماز جمعه از طریق رادیو پخش می گردید از برنامه های رادیو حذف نمودند. یعنی در آغاز کودتا گران در مقابل عقیده و ایمان مردم افغانستان موضع گرفتند.

با تجاوز قشون سرخ شوروی سابق در افغانستان، در ششم جدی ۱۳۶۸ خورشیدی وضع دسراسر کشور به هم خورد، زیرا تمام مردم شریف افغانستان مخالف تجاوز آشکار نیروهای تابه دندان مسلح اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی شدند. خیزش های مردمی در کابل و ولایات افغانستان نمونه مخالفت مردم با رژیم دست نشانده شده می تواند . نمی خواهم در زمینه بیشتر بپردازم صرف در بخش رادیو و تلویزیون افغانستان که، شاهد ماجرا بودم اکتفاء می کنم .

در رادیو تلویزیون افغانستان اوضاع شکل دیگری به خود گرفت. در آن زمان شاخه خلق عقب شاخه پرچم چراغ به دست می گشت، بعد از ششم جدی اعضای شاخه پرچم به خصوص خادبست های رادیو تلویزیون افغانستان، در جستجوی مخالفین رژیم شدند بگیر و ببند و بکش مانند گذشته ادامه داشت. این که بعضاً گفته می شود که در زمان زمامداری پرچمی ها کشت و خون نبوده و یا کمتر بوده از حقیقت به دور است. زیرا باز هم تعداد فراوانی از کارمندان رادیو تلویزیون افغانستان توسط خادبست های شش درک گرفتار شده شکنجه شدند. حتی بعضی از آن ها دوباره بازنگشتند که اسمای آن عده از مأمورین رادیو تلویزیون که در زمان زمامداری خلق و پرچم راهی زندان شده اند و یا این که توسط شکنجه گران خاد به شهادت رسیده است، در مطلب جدا گانه که لینک آن در پائین قرار دارد دیده شده می تواند. گرچه این یادداشت کامل نبوده و می دانم که تعدادی از همکاران ما که آزار و اذیت شده اند و یا این که به شهادت رسیده اند بیشتر از لست می باشد که انتشار یافته است .

<http://www.rangin-hamburg.com/اختر-استبداد>

در قسمت پالیسی نشراتی رادیو و تلویزیون افغانستان باز هم تغییراتی رونما گردید در زمان زمامداری خلقی ها صرف مطالب و ترانه های انقلابی بیشتر شده بود، ولی در زمان پرچمی ها بر علاوه سرود ها و موضوعات انقلابی، روس ستائی و نوکر منشی هم اضافه گردید . به قسم مشت نمونه خروار می توان از شعر و آهنگ کابل مسکو را یاد کرد .

برنامه های خبری رادیو تلویزیون افغانستان تحت نظر مشاوران روسی نشرات داشت. حتی

بیانیه رئیس جمهور کشور و اعضای کمیته مرکزی هم توسط مشاوران روسی نخست در تلویزیون کنترل می شد و بعد متن کنترل شده به رادیو می آمد و بیانیه ها دوباره « ادید » می گردید. از جانب دیگر مشاوران روسی که امر شان فاضل و ویچ نام داشت و ترجمانشان محمداوف . خال



نظر اورالف، جعفر گوجایف و احمدجان بود، وظیفه داشتند تا فلم ها، سریال ها و برنامه های تهیه شده در شوروی سابق را در تلویزیون افغانستان به نشر برسانند. چنانچه بعد از آمدن مشاوران روسی، فلم هایی در مورد لینین، انقلاب اکتوبر، قهرمانی های ارتش سرخ، جنبش های کارگری و غیر از طریق تلویزیون افغانستان انتشار یافت. برنامه های معلوماتی و ادبی و هنری به شکل عادی نشرات داشتند. در زمان ریاست دانشمند محترم لطیف ناظمی برنامه های رادیو به خصوص بخش هنر و ادبیات با محتویات خوب انتشار می یافت. زمانی که محترم لطیف ناظمی به حیث استادزبان فارسی دری در یکی از دانشگاه ها، راهی المان شرق شدند معاونش اکبر کرگر به حیث رئیس نشرات رادیو تقرر حاصل نمود. وی که از شاخه پرچم و از گماشتگان و پای دوان محمود بریالی بود اصلاً در دانشکاه، فلسفه تحصیل کرده و در امور مطبوعات و به خصوص رادیو و تلویزیون بلدیته چندانی نداشت، در زمان ریاست وی هیچ برنامه با محتویات عالی روی کار نیامد. یک برنامه به نام (جام جم) نظر به هدایت ریاست تبلیغ و ترویج کمیته مرکزی حزب که هفته دوبار شام شنبه و چارشنبه به ساعت ۹ شب تهیه می شد، و مطالب آن را سرمقاله های روزنامه (پرودا) ارکان نشراتی حزب کمونست شوروی سابق تشکیل می داد که، به زبان های فارسی دری و پشتو برگردانده شده از طریق مدیریت عمومی اطلاعات رادیو افغانستان پخش می گردید.

رئیس جدید رادیو افغانستان یکی از فعالان خاد بود. نخستین کارش را با همکاری سازمان اولیه رادیو تلویزیون که همه اعضای خاد بودند، به تصفیه کارمندان رادیو آغاز کردند. شخص رئیس بعضی از مأموران رادیو افغانستان را به دفترش می خواست و اظهار می داشت که، چرا خودت عضویت حزب را قبول نمی کنی؟ اگر حزب بد است برایم بگو که من هم از حزب برایم و اگر خوب است چرا خود را گوشه می گیری؟ و یا این که بعضی از مأموران رادیو را با پیشنهاد بست بهتر و یا چوکی بهتر به حزب و حتی خاد جذب می کرد. حتی تعدادی از ملازمان و درپورهای رادیو رانیز در خاد جذب کردند و ماهانه برای شان سه صد افغانی از طریق خاد تأدیه می شد. این کار به حدی رسید که در هر دفتر یکی از اعضای خاد گماشته شد. زیرا خاد حتی به اعضای حزب نیز اعتماد نداشت. با وجودی که در دفتر ما دوفر حزبی موجود بود ولی باز هم یکی از خادبست هارا نیز وظیفه دادند تا راپور شعبه ما را به خاد برساند. وظیفه آن خادبست گویندگی در رادیو بود، یعنی که عضو مدیریت عمومی نطقان، ولی در دفتر ما می آمد و ما را تحت نظر داشت.

هر عضوی از اعضای خاد که در دفاتر بودند، روزانه راپور خود را به یکی از اعضای بلندتر خاد که، در همان دهلیز قرار داشت تسلیم می کرد.

مدیر عمومی اداری رادیو تلویزیون افغانستان که، خانم منشی سازمان اولیه بود سوانح آن عده از کارمندان رادیو تلویزیون را که، عضویت حزب را نداشتند منحصراً افراد مشکوک به اداره خاد شش درک ارسال کرده بود.

فضای خفقانزای کارمندان رادیو تلویزیون افغانستان را ادیت می کرد، ولی چاره ای نبود ناگزیر بودند که می سوختند و می ساختند.

قسمی که قبلاً ذکر کردم من عضویت اداره ارزیابی پروگرام های رادیو را داشتم، در یکی از شب ها که نوکری بودم، در برنامه تبصره جراید سرمقاله روزنامه هیواد که با تأسف تاریخ آن را فراموش کردیم انتخاب شده بود که، درباره مهاجران افغان در پاکستان بود. در آن سرمقاله توهین مستقیم به تمام مهاجران افغان در پاکستان صورت گرفته بود که (بعد از سی و سه سال من خجالت می کشم آن رابه روی کاغذ بیاورم.) نشر مطلب را از طریق رادیوی افغانستان لازم ندیدم. و نزد رئیس رادیو رفته و موضوع را مطرح کردم. وی اظهار داشت که نشرکن. و من دلیل می آوردم، خلاصه مطلب انتشار نیافت، ولی فردای همان روز زمانی که می خواستم حضری را امضاء نمایم، دیدم رئیس رادیو سوی من آمد گفت: اشرار چطور هستی؟

از همان لحظه فهمیدم که کارم ساخته است و می خواهند مرا از رادیو اخراج نمایند و همان شد.

ریاست رادیو تلویزیون وقت، سازمان اولیه و تمام خادیسست های رادیو تلویزیون به این عقیده بودند که، آن عده از کارمندان رادیو تلویزیون را که، با ایشان نیستند به ویا مخالف تجاوز قشون سرخ شوروی سابق هستند به بهانه های مختلف از صحنه خارج نمایند. و فکر می کردند، همه چیز به ذوق شان برابر بود. و انقلاب ثور شکست ناپذیر است از آینده نمی دانستند که، چه به فرق شان می آید. و هیچ گمان نمی کردند که روزی ولینعمت شان یعنی اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی سابق پشت شان را خالی نماید.

اگر ما از دست ظلم و جنایات وطن فروشان خلقی و پرچمی و به خصوص خادیسست ها مهاجر شدیم روزی رسید که از ترس و مظلومی که در حق مردم کرده بودند، خود نیز فرار را برقرار ترجیح داده، خلاف شعارهای گذشته شان، راهی کشورهای امپریالیستی شده و ریزه خوار شدند.

شکر خدا در این است که، ما در بین اجتماع جا داریم، و از هیچ چیز خوف نداریم. زیرا جنایت نکردیم، و دست ما به خون مردم ما آلوده نیست. ولی تمام اعضای باند خلق و پرچم در هر کشوری که هستند و در مجالس و محافل خوشی و غم اشتراک می کنند، خوف دارند که یک مخالف شان پیدا نشود. و اگر یکی از مخالفان را دیدند فوراً صحنه را ترک می کنند. و از جانب دیگر و جداناً نا آرام هستند، تعداد کثیرشان به شراب پناه برده و زمانی که به گذشته خویش فکر می کنند، رنج می برند واضح است اعصاب شان نارام شده و عصبانیت باعث برخورد های فامیلی شده و مشکلات دیگر برای شان پیدا شده است.

این بود صحبت با آن همکار عزیز، که خاطرات زیادی را به یادم آورد و برای شما خواننده گان با احساس نیز نوشتم.